

نظام معنایی مصرف کنندگان ماری جوانا از اعتیاد: ارائه یک نظریه زمینه‌ای

احسان حمیدی‌زاده^۱، مهران محبتی^۲، محمد تقی عباسی شوازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر کشف نظام معنایی اعتیاد از دید مصرف کنندگان ماری جوانا بود. **روش:** روش پژوهش نظریه زمینه‌ای بود که با ۲۰ نفر از جوانان شهر رشت که سابقه مصرف ماری جوانا داشتند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد و با شیوه نمونه‌گیری هدفمند-نظری داده‌ها جمع‌آوری و با کدگذاری باز، محوری، و گزینشی تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** برای عوامل تاثیرگذار در اعتیاد (خوشایند: الف) عوامل زمینه‌ساز شامل ناهنجارشناخته شدن و تمایز دیدگاه، (ب) عوامل زمینه‌ای شامل بینش اجتماعی فردی، گسترش جهان‌بینی، و فردیت محوری، و (ج) عوامل مداخله‌گر شامل جامعه-پذیری دوستان و افزایش کیفیت دوستی‌شناسایی و استخراج گردید. همچنین، راهبردها شامل آگاهی به مرغوبیت ماده، خودمهارگری، و چارچوب مصرف بین مصرف کنندگان ماری جوانا بود. **نتیجه‌گیری:** عوامل نهادی، اجتماعی، و فردی در نظام معنایی مصرف کنندگان از اعتیاد مؤثر است. کنشگران با توجه به نوع مصرف، همچنین با عقلانی و آگاهانه در نظر گرفتن کنش خود و کارکردهای مناسب ماری جوانا در حیات اجتماعی‌شان، و اتکا به این ایده که کاش ماری جوانا در ایران هم آزاد بود، مصرف ماری جوانا را یک کنش اعتیادآور در نظر نمی‌گیرند. از سوی دیگر، تعریف اعتیاد که از جامعه و ساختارها نشأت گرفته است را به‌مثابه یک برچسب می‌دانند که منجر به از دست دادن موقعیت اجتماعی کنونی‌شان می‌شود. افزون بر این، نظام معنایی مصرف کنندگان از اعتیاد در فرایند یادگیری و الگوسازی کنار همسالان نیز خلق و تقویت می‌شود و بر این باور هستند که ماری‌جوانا متمایز از دیگر مواد مخدر است و آن را یک فعالیت عادی در نظر می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: نظام معنایی، اعتیاد، ماری‌جوانا، نظریه زمینه‌ای

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. پست الکترونیک: ehaimdi@shirazu.ac.ir

۲. کارشناسی جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

مردم سازه‌های^۱ اجتماعی و فیزیکی را که در جهان با آن برخورد می‌کنند را برحسب فایده‌ای که برای آن‌ها دارد، تعریف می‌کنند و دانش‌شان بر چیزی استوار است که سودمندی آن برای آن‌ها ثابت شده باشد و بر همین پایه دانش‌شان را گسترش می‌دهند. کنشگران دارای هدف و مقصدی‌اند که کنش‌شان را در جهت آن و برای نیل به اهداف‌شان تنظیم می‌کنند. پس از اینکه تغییرات بنیادین اجتماعی در ابعاد گوناگون قرن بیستم پشت سر گذاشته شد افراد جامعه دیگر مانند جوامع سنتی در پناه یک نوع نظم اجتماعی یکپارچه، اندیشه و کنش نمی‌کنند. در جوامع فعلی، افراد و گروه‌های اجتماعی ادراکات متنوعی را تولید کرده و در بسط این تولید، خود را به شیوه‌های گوناگونی تعریف می‌کنند. به همین دلیل، باید تغییرات و بازسازی نظام معنایی پدیده‌ها را در جهان اجتماعی و رابطه کنشگر با جهان اجتماعی را بررسی کرد (ریتزر^۲، ۱۳۹۶). در همین راستا، تفسیر و معنابخشی به واقعیات و حقایق حاکم بر اعتیاد در نظام معنایی مصرف‌کننده ماری‌جوآنا در دنیای مدرن به مسئله تبدیل می‌شود.

مسئله اعتیاد در برخی از جوامع نوعی نقض قانون در نظر گرفته می‌شود، شخص ناقض قانون، یک فرد خاص دیده می‌شود، کسی که نمی‌توان به او اعتماد کرد تا طبق قوانین مورد توافق گروه زندگی کند او یک فرد بیرونی در نظر گرفته می‌شود؛ اما شخص معتاد ممکن است دیدگاه متفاوتی نسبت به موضوع داشته باشد. او ممکن است قاعده‌ای را که بر اساس آن مورد قضاوت قرار گرفته است را نپذیرد و ممکن است کسانی که درباره او قضاوت می‌کنند را صالح یا دارای حق قانونی نداند (بکر^۳، ۱۹۶۶). بر این اساس، اعتیاد به یک واژه مبهم تبدیل شده است (کوینترو و نیچتر^۴، ۱۹۹۶). اعتیاد معمولاً برچسبی برای محکوم کردن کسانی که عاداتی دارند و انجام کاری را توجیه می‌کنند؛ استفاده می‌شود. برچسب اعتیاد نیز به عنوان بهانه‌ای برای عدم ترک موفقیت‌آمیز این عادت به کار می‌رود (آکرز^۵، ۱۹۹۱). در همین راستا، بین نظام معنایی مصرف‌کننده ماری‌جوآنا و مخالفان آن

۱۵۰

150

سال شانزدهم، شماره ۵، پاییز ۱۴۰۱
Vol. 16, No. 65, Autumn 2022

1. Constration
2. Ritzer
3. Becker

4. Quintero & Nichter
5. Akers

شکافی حاکم است و مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا با دلالت‌های متنوع، اعتیادآور بودن را خاصیت این ماده نمی‌دانند. از این‌رو تاکید بر نظام معنایی گروه‌های مصرف‌کننده بر ابعاد و جنبه‌های این مصرف، منعکس‌کنندهٔ موضع عمومی آن‌ها نسبت به یک شرایط مسئله‌دار است.

برای بسیاری از مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا، استفاده غیرقانونی مواد مخدر به بخشی «عادی» از تجربه روزمره آن‌ها، یعنی شیوه‌ای از زندگی تبدیل شده است. آن‌ها در مورد استفاده از ماری‌جوآنا برای تقویت فعالیت‌های اوقات فراغت و گاهی حتی تصمیماتی که از نظر خودشان نیاز به تمرکز دارد، استفاده می‌کنند. این کاربران می‌توانند بدون عواقب منفی مهم، مصرف ماری‌جوآنا را به‌طور موفقیت‌آمیزی در برنامه‌های روزمره خود بگنجانند؛ زیرا مجموعه‌ای از قوانین غیررسمی را وضع کرده و از آن‌ها پیروی می‌کنند که مصرف مسئولانه و غیرمسئولانه ماری‌جوآنا را دیکته می‌کند. به علاوه از این ماده برای افزایش آرامش و لذت‌بخش کردن فعالیت‌های تفریحی مختلف استفاده می‌کنند. برای گروهی از افراد مصرف ماری‌جوآنا به یک سبک زندگی تبدیل شده است، افرادی که در این سبک غوطه‌ورند، روابط اجتماعی و فعالیت‌های روزمره آن‌ها تحت تاثیر مصرف ماری‌جوآنا قرار می‌گیرد. اغلب کنشگران، ماری‌جوآنا را در کنار گروه‌های همسالان خود به شکل استنشاقی مصرف می‌کنند که یکی از سریع‌ترین راه‌های مصرف این ماده است و در برخی اوقات به شکل خوراکی مصرف می‌کنند (آزبورن و فوگل^۱، ۲۰۰۸).

طبق پژوهش آماری پایگاه داده بنیاد از میان ۱۰۷۴ نفر از کاربران فضای مجازی دریافتند که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که خود یا یکی از اعضای خانواده آن‌ها از مواد مخدر، محرک یا توهم‌زا استفاده کرده‌اند که مصرف گل، علف (ماری‌جوآنا) با ۳۷ درصد، تریاک (با ۱۷ درصد)، شیر و حشیش (با ۱۱ درصد) بیشترین و اکستازی با ۲ درصد و ال‌اس‌دی با ۳ درصد کمترین مواد مورد استفاده بوده است و گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بیش از سایر گروه‌های سنی از مواد مخدر، محرک یا توهم‌زا استفاده می‌کرده‌اند. در مقابل گروه سنی زیر بیست سال کمتر از سایر گروه‌های سنی از این مواد استفاده کرده یا

می‌کنند. در آخر، از هر ۱۰ نفر از کسانی که به نحوی از مواد مخدر، محرک یا توهم‌زا استفاده کرده یا می‌کنند، ۹ نفرشان می‌گویند که این مواد را خیلی راحت یا به نسبت راحت تهیه می‌کنند. آمارهای اشاره شده نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر تغییر الگو پیدا کرده است، سن شروع اعتیاد در دختران و پسران کمتر و تولید مواد مخدر از کارگاه به خانه تغییر پیدا کرده است به طوری که هر شخص می‌تواند در خانه ماری‌جوآنا را تولید کند و یا با قیمت کمتر در زمان کمتر نسبت به مواد دیگر تهیه کند (پایگاه داده بنیاد، ۲۰۲۲).

در مطالعات داخلی چون پژوهش صفری و حقی (۱۴۰۰) ۹ عامل در اعتیاد به مواد مخدر دخیل‌اند: معاشرت افتراقی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، آسیب روحی و روانی، خانواده افتراقی، محیط آسیب‌زا، چالش روحی و روانی و طرد اجتماعی. از میان این عوامل، عوامل اجتماعی بیشترین نقش را در اعتیاد دارند. همچنین عوامل روان‌شناختی تاثیر غیرمستقیم در این مسئله داشتند. راهکار درمان و پیشگیری از اعتیاد شامل ایجاد شغل، تقویت پیوند و همبستگی اجتماعی، تقویت برنامه‌های آگاه‌سازی از عواقب مصرف مواد، آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت پایه‌های انتظامی و امنیتی ذکر شده است. همچنین فیض‌اللهی و باپیری (۱۴۰۰) در پژوهش خود با روش نظریه زمینه‌ای به این نتیجه رسیدند که نقش گروه همسالان، دوستی‌های زیان‌آور، محیط نامناسب زیست شهری، ضعف ساختاری نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، وجود سابقه اعتیاد در خانواده، سبک فرزندپروری آسیب‌زا، نابسامانی خانواده و نهاد آموزش به واسطه‌ی مدیریت ناکارآمد مدارس و امکان تشکیل باند و آشنایی با مواد در مدرسه گرایش به اعتیاد را تایید می‌کند. دسترسی آسان به مواد مخدر، هیجان‌طلبی نوجوانان، استقلال مالی زود هنگام، همراه با نداشتن مهارت مناسب ارتباطی، نقش تشدیدکننده‌ای در گرایش به اعتیاد نوجوانان ایفا می‌کند. جوادی، اونق، و قربانی (۱۴۰۰) با روش توصیفی و پیمایشی به این نتیجه رسیدند که عوامل موثر در این مطالعه (متغیرهای خانواده، رسانه، سبک زندگی، سهولت دسترسی، نگرش به خاصیت درمانی، همسالان، پابندی به مناسک دینی، پایگاه اجتماعی) بر افزایش

اعتیاد در جامعه تاثیر مثبت و معناداری دارد. در پژوهش دیگر توسط نعمتی سوگلی تپه، شاهمرادی، رحیمی و خالدیان (۱۳۹۹) با روش نظریه زمینه‌ای دریافتند که عوامل تاثیرگذار در سوء مصرف موادمخدر و اعتیاد شامل عوامل زمینه‌ساز نظیر عوامل فردی و بین فردی؛ عوامل آشکارساز شامل عوامل خانوادگی و عوامل تداوم بخش و تشدیدکننده شامل عوامل اجتماعی- فرهنگی و محیطی است. شناسایی این عوامل در محیط‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع مختلف امکان تدوین اقدامات پیشگیرانه و افزایش زمینه آگاهی عمومی را فراهم می‌کند. در تحقیقی دیگر خدیری، زاهدی اصل، پروین و ذکایی (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که سوء مصرف مواد با واگرایی و همگرایی رفتاری- احساسی و رانش از اجتماع همراه است؛ یعنی فرد سوء مصرف کننده مواد در جریان سبک زندگی خود با نوعی تباعد (جدایی) از اجتماع مواجه می‌شود و در آخر، فرخی و شهبازی (۱۳۹۷) در پژوهش خود که تجربه زیسته دانشجویان مصرف کننده ماری‌جوانا را بررسی کردند و دریافتند که عوامل اجتماعی از جمله خانواده، خویشاوندان و مصرف محصولات فرهنگی در جریان اعتیاد بسیار تاثیرگذار است. افزون بر این دانشجویان درک درستی از عواقب حاصل از مصرف ماری‌جوانا ندارند و با اینکه دچار مشکلات متعدد فیزیکی و روانی می‌شوند، مضرات این ماده مخدر را نمی‌پذیرند.

۱۵۳

153

واکر، فایریباگ، کرفت، مکرنان و پالماسینو^۱ (۲۰۲۲) در تحقیق خود دریافتند که کاهش انگ و پذیرش اجتماعی ماری‌جوانا پس از قانونی سازی منجر به این شده است که خریداران ماری‌جوانا آشکارا و صادقانه مواظب مصرف مواد مخدر خود باشند و مسئولیت رفتارهای پس از مصرف محصولات ماری‌جوانا را بپذیرند. در پژوهش هالبک و ویتو^۲ (۲۰۲۱) نوجوانان با پیوندهای والدینی قوی‌تر و تعاریف منفی از مصرف مواد، کمتر به ماری‌جوانا وابسته می‌شوند، در حالی که نوجوانانی که با همسالان خود در ارتباط بودند، بیشتر به ماری‌جوانا وابسته‌اند. ویلوبی^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی که نسبت مصرف ماری‌جوانا و رسانه اجتماعی را در نوجوانان مطالعه کردند؛ دریافتند که مصرف ماری‌جوانا

توسط گروه همسالان و تایید والدین از ماری‌جوانا با ارسال محتوای مرتبط با ماری‌جوانا در رسانه‌های اجتماعی ارتباط مثبت دارد. افزایش نظارت والدین با پست کردن محتوای مرتبط با ماری‌جوانا در رسانه‌های اجتماعی ارتباط منفی دارد. آنها عواملی را که ممکن است بر تصمیمات نوجوانان برای اشتراک‌گذاری محتوای مرتبط با ماری‌جوانا در رسانه‌های اجتماعی تأثیر بگذارد را برجسته می‌کنند. در آخر، پارک، یان، موسر و کورتس^۱ (۲۰۲۰) نشان دادند که گروه همسالان و رسانه‌ها مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی در مورد مزایای استفاده از ماری‌جوانا محسوب می‌شوند. همچنین گروه همسالان در تامین ماری‌جوانا برای مصرف‌کنندگان نقش پررنگی دارد.

با نگاهی به تحقیقات انجام‌شده می‌توان پی‌برد که عموم تحقیقات، تمایزی بین مواد مخدر قائل نشده‌اند و غیر از یک پژوهش که به تجربه زیسته مصرف‌کنندگان پرداخته است (فرخی و شهبازی، ۱۳۹۷) بقیه پژوهش‌ها مواد مخدر را به عنوان یک کل و بدون تفکیک بین انواع آن مورد بررسی قرار داده‌اند. پایه‌گفتمان مصرف ماری‌جوانا در حوزه‌های پزشکی و روان‌شناسی شکل گرفته است که همین امر منجر به تقسیم‌بندی افراد به گروه‌های بیمار و سالم شده است. از این‌روی، هنگامی که از اعتیاد صحبت می‌شود، اغلب افرادی به ذهن متبادر می‌شوند که مورد آزار و رنج قرار گرفته‌اند. با وجود آمار بالای مصرف ماری‌جوانا و تغییر الگوی اعتیاد؛ مطالعات اندکی در مورد این ماده مخدر و سبک زندگی متصل به آن صورت گرفته است. همچنین در این تحقیقات به معنای ذهنی اعتیاد آنچنان که باید و شاید توجه نشده است. عموم پژوهش‌های مربوط به اعتیاد با نگاهی کلان این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در نتیجه مطالعه مستقلاً در جهت فهم نظام معنایی خود مصرف‌کنندگان از اعتیاد به ماری‌جوانا اندک است. با این توضیحات تلاش برای فهم معنای اعتیاد در ذهن خود مصرف‌کنندگان اهمیت دو چندانی پیدا می‌کند. تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در ایران باعث شده است که در پژوهش حاضر، بدون نگاهی تعمیم‌گرایانه نسبت به همه اشکال مواد مخدر، مصرف ماری‌جوانا به‌طور مجزا بررسی شود و با رویکرد تفسیرگرایانه و نظریه زمینه‌ای معنای ذهنی اعتیاد در میان

مصرف کنندگان ماری‌جوآنا فهم شود. پس از بررسی تفاسیر موجود از باورهای افراد، مدلی زمینه‌ای ارائه خواهد شد تا از نگاه‌های تک‌ساحتی و بالا به پایین جلوگیری و درکی عمیق از موضوع ارائه شود. در تحقیق حاضر از رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری برای چهارچوب مفهومی استفاده شده است. طبق این رویکرد، رفتار انسان، محصول روشی است که مردم بر اساس آن دنیای اجتماعی خود را تفسیر می‌کنند. هدف اصلی تفسیرگرایی فهم طرقي است که مردم به لحاظ ذهنی، جهان اجتماعی را خلق و آن را تجربه می‌کنند (ایمان، ۱۳۹۱). واقعیت اجتماعی توسط گروه‌هایی از مردم که در متن آن واقعیت زندگی می‌کنند، به‌طور اجتماعی بر ساخته می‌شود نه از زاویه دید مشاهده‌کنندگان بیرونی. مطالعه‌ی پدیده‌ی اجتماعی، به فهم جهان اجتماعی نیاز دارد که مردم با فعالیت مداوم خود آن را می‌سازند و باز تولید می‌کنند (بلیکی^۱، ۱۳۹۶).

در نظریه کنش متقابل، معانی و نمادها انسان‌ها را قادر می‌سازند که کنش و کنش متقابل و متمایز انسانی را انجام دهند و بر پایه تفسیری که از موقعیت می‌کنند، تعدیل یا تغییر دهند که توانایی کنش متقابل با خودشان را دارند تا راه‌های امکان‌پذیر کنش را بیازمایند، مزایا و عدم مزایای نسبی آن‌ها را سبک‌سنگین کنند و سپس یک راه برگزینند (ریترز، ۱۳۹۶). مصرفی شدن کنش‌ها بر پایه ارزش‌های فردگرایانه و لذت‌گرایانه، مصرف ماری‌جوآنا را تقویت کرده است. این رخداد تعارضاتی بین نظام سیاسی و اخلاقی مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا به وجود می‌آورد. از آنجایی که درک نظام معنایی افراد در هر مسئله‌ای از جمله اعتیاد، ارزش‌ها و هنجارهای شکل‌گرفته در گروه‌های مختلف را نمایان می‌کند. از همین طریق می‌توان به تغییرات اجتماعی در تعاملات، ساختارهای اجتماعی و هنجاری و به‌بازتفسیر نظام ارزشی حاکم بر نظام معنایی کنشگران که بر عادات و رفتارهای آنان تأثیر می‌گذارد، پی برد. شناخت شرایط ساختاری و نهادی جامعه، می‌تواند در شناخت زمینه‌ها، علل و پیامدهای نظام معنایی موردنظر مصرف‌کنندگان موثر باشد. همچنین راهنمای مفیدی برای بسیاری از سیاست‌گذاران و محققان و بسیاری از نهادهای درمانی و قانون‌گذاری جهت تغییر الگوی جرم‌زدایی باشد، تا به آن‌ها کمک کند

از تصویب قوانین ایستا جلوگیری نمایند و دانش افراد را در مواجهه و حل مسائل اجتماعی توسعه دهند.

با توجه به توضیحات ارائه شده مشخص می‌شود که مفهوم اعتیاد یکی از مفاهیم پیچیده اجتماعی و فرهنگی است که شناخت آن نیازمند توجه به نظام معنایی کنشگرانی است که در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. با وجود هنجارهای موجود نسبت به مصرف آن که حکم تابو و جرم دارد؛ کماکان مصرف گسترده این ماده در بین جوانان ادامه دارد. از همین جهت چنین مسئله‌ای یقیناً می‌تواند ابعاد مختلفی از برداشت‌های فردی و اجتماعی نسبت به اعتیاد در بر داشته باشد؛ که زمینه بررسی با رویکرد کیفی را فراهم می‌کند؛ بنابراین این پرسش‌ها مطرح می‌شود که مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا چه معنا و تفسیری از اعتیاد دارند و مصرف خود را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ علل و زمینه‌های به‌وجود آمدن نظام معنایی آنان از اعتیاد در مصرف ماری‌جوانا و شرایط مداخله‌گر آن در بین کنشگران چیست؟ و مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا براساس نظام معنایی‌شان از اعتیاد دست به چه کنش‌هایی می‌زنند و چه پیامدهایی ایجاد می‌شود؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر از روش گرانددتئوری که یک روش‌شناسی کیفی است استفاده شده است. در این روش، پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود. گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند (استراوس و کرین، ۱، ۱۳۹۸). جامعه آماری پژوهش حاضر جوانان ۲۰-۳۰ سال شهر رشت بودند. ملاک‌های ورود به این پژوهش شامل حداقل مصرف یک سال، ساکن شهر رشت و رده سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله که اطلاعات بسیاری می‌توانستند در این پژوهش در اختیار ما بگذارند، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که ملاک اصلی نمونه‌های انتخاب‌شده موردنظر، تجربه کردن پدیده مورد مطالعه بود. نمونه‌ی پژوهش حاضر شامل

۲۰ نفر از مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا است که از طریق نمونه‌گیری نظری برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و براین اساس، با شروع اولین مصاحبه، اقدام به استخراج مفاهیم و مقولات شد و پس از پانزده مصاحبه اشباع نظری به وجود آمد. بدین صورت که بعد از این تعداد مصاحبه، پاسخ‌ها، مشابه به نظر رسیدند اما برای اطمینان بیشتر نسبت به پاسخ‌های افراد، تا پنج نفر ادامه یافت و پس از آن با استفاده از نمونه‌گیری نظری، پاسخ‌های داده‌شده به سؤالات تحقیق برای اشباع نظری به دلیل شباهت و تکرار داده‌ها کافی به نظر می‌رسیدند و اطلاعات متفاوت و خاصی بر پژوهش مورد نظر نمی‌افزایند. در مجموع ۲۰ مصاحبه جهت اشباع مقوله‌ها و جزئیات نظریه زمینه انجام شده است. بعد از انجام هر مصاحبه، گفت‌وگوی ضبط شده آن پیاده‌سازی و تجزیه و تحلیل شد. در فرآیند تحلیل داده‌ها، برای کدگذاری باز از تحلیل خط به خط استفاده و همزمان با توسعه مفاهیم انتزاعی شدن آنها، مراحل کدگذاری محوری و گزینشی نیز روی متن اجرا شد. در این تحقیق، ملاحظات اخلاقی مانند تخلف نکردن، رضایت آگاهانه، رعایت حریم شخصی، حفظ گمنامی و رازداری در نظر گرفته و به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که گفته‌های آنها سبب به وجود آمدن مسئله‌ای برای آنان نشود. قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش به روش تماس طولانی با محیط پژوهش و مشاهده مستمر در میدان تحقیق، کفایت مراجع، توصیف غنی و تایید مشارکت‌کنندگان تایید شد. تایید پایایی تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه مطلوب، ثبت کامل رخدادها و پیاده‌سازی آنان انجام گرفت. ملاحظات اخلاقی نیز رعایت شد و فرآیند بازاریابی در پژوهش پیش از اجرا، در حال اجرا و پس از اجرا انجام گرفت.

یافته‌ها

با تحلیل و بررسی دقیق و خط به خط متن مصاحبه‌های تحقیق، مفاهیم، تم‌های فرعی، تم‌های اصلی و در نهایت تم نهایی طی فرآیندی جزئی، دقیق و طولانی مفهوم‌پردازی و ارائه شدند. در نتیجه این فرآیند، تم نهایی «اعتیاد خوشایند» از ۱۲ تم اصلی و ۷۵ تم فرعی و ۱۵۵ مفهوم بر ساخته شد. یافته‌های بدست آمده در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه شده است.

جدول ۱: فرآیند استخراج مقوله هسته پژوهش

مقولات محوری مقوله هسته	مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم
ناهنجار شناخته شدن	طرد شدن از افراد غیر درگیر، بی‌ارزش شدن فرد مصرف‌کننده، انگ زدن بسیاری از متغیرهای نامربوط، از دست دادن موقعیت اجتماعی، ناهنجار شناخته شدن، نگاه برچسبی به مصرف‌کنندگان
تمایز دیدگاه‌ها	عدم درک جامعه از واقعیت ماده مخدر، سنتی بودن جامعه، ریسک‌پذیری نسل جدید، نگاه تعمیم‌گرایانه به تمامی مواد مخدر
بینش اجتماعی فردی	حل مشکلات، حس کنجکاو و جستجوگری، تمایل به نوگرایی و تنوع‌گرایی، بی‌تفاوتی نسبت به نظر دیگران
گسترش جهانی	اشتیاق به تفکر کردن، افزایش کیفیت لذت‌های عادی، بهتر فکر کردن، توانایی تحلیل بیشتر مسائل، راهگشا بودن، تجربه فعالیت‌های نو
فردیت محور	تردید نسبت به هنجارها و کج روی، ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی، تضاد منافع، توجه به تفاوت‌های فردی، اهداف و نیازهای شخصی، برعهده گرفتن انتخاب نیاز به تأیید شدن، ترس از دست‌دادن هم‌تایان، داشتن قواعد خاص درون گروهی، احساس تعلق و دل‌بستگی در بین دوستان، تبدیل شدن ماری‌جوآنا به ارزش گروهی، تأثیرپذیری از دوستان
افزایش کیفیت دوستی	ارتباط جدید آسان، ایجاد فضای بیشتر گفتگو، افزایش خوشی در ارتباطات دوستی، ایجاد فعالیت‌های متنوع در روابط دوستی
آگاهی به مرغوبیت ماده	لذت‌های متنوع، گیاهی بودن، نداشتن ترکیبات صنعتی، کارکرد دارویی، درمان بسیاری از بیماری‌ها، داشتن ضررهای کمتر نسبت به مواد دیگر
چارچوب مصرف	کنترل مصرف، عدم مصرف با هر نوع از مصرف‌کننده افراطی، شناخت از حدود مصرف، نقش اراده در میزان مصرف، مصرف در جمع، مصرف مفرحانه
اعتیاد خوشایند	عدم وابستگی جسمانی و روانی، نداشتن کنترل ماده بر فرد، تجربه ترک، عادی شدن به مرور ماده، عدم نیاز به خدمات درمانی برای ترک، اثر کوتاه‌مدت، داشتن کنترل بر مصرف، ترک آسان
بی‌تفاوتی به ارزش‌های اجتماعی	پنهان‌سازی مصرف از خانواده و اجتماع، از بین رفتن اعتماد خانوادگی، شکست در روند جامعه‌پذیری در اجتماع، قرار گرفتن بین دو نظام ارزشی متفاوت، فردگرایی، ضروریات مصرف
مشروعیت بخشی‌کنش	بالا بودن شناخت و آگاهی از مصرف در گروه، آزاد بودن مصرف ماده در بسیاری از کشورها، مصارف دارویی، تحقیقات علمی گسترده در خصوص ماده، تفاوت محتویات ماده با دیگر مواد، جهانی شدن

خط داستان

برای فهم بهتر فرآیندهای طی شده برای بدست آمدن مقوله هسته‌ای، در این تحقیق مقولات اصلی در قالب خط داستان توضیح داده شده‌اند. همچنین، سعی شده است برای درک بهتر هر کدام از آن مقولات، نقل قول‌هایی از نظرات پاسخگویان ذکر شود.

ناهنجار شناخته شدن

کنشگران با توجه به موقعیت اجتماعی‌شان تمایلی ندارند برچسب‌های متعدد را قبول کنند. پذیرش اعتیاد به معنی پذیرش هویت نهایی مجرم برای مصرف‌کننده است. جامعه نسبت به مجرمان و منحرفان نگاه حذفی دارند و دیگر به‌مثابه یک شهروند عادی تعریف نمی‌شوند. درحالی‌که مصرف‌کنندگان با توجه به کارکردهای مناسبی که برای مصرف ماری‌جوانا قائل‌اند آن را به‌مثابه یک کنش انحرافی و مجرمانه در نظر نمی‌گیرند و برچسب اعتیاد را یک عامل فرعی در زندگی خود می‌دانند که موقعیت اجتماعی فرد را آلوده می‌کند و امکان طرد در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. به عقیده مصرف‌کنندگان، پذیرش برچسب اعتیاد منجر به بی‌اعتباری موقعیت فعلی و کاهش مقبولیت کنشگران در جامعه می‌شود و در نتیجه متناسب کارکرد خود نمی‌دانند.

برای مثال مصاحبه‌شونده سیزدهم این‌طور بیان می‌کند:

تصور مردم و خانواده این که کسی که اینکارو میکنه خیلی آدم بی‌ارزشیه فک میکنم و دیگه کارکرد مثبتی توی خانواده و اجتماع نداری دیگه. همه به چشم دیگه‌ای تورو نگاه میکنن مثلاً همه چیز دیگرو امتحان میکنه. تعمیم میدن به کل زندگی آدم که بدبخته معتاده و تا ته قضیه میرن و هزارتا چیز نبوده رو به آدم وصل می‌کنن مثلاً خودم نمیخوام کسی متوجه بشه و پنهانی می‌کشم که موقعیت اجتماعی که دارم و اطرافیانم رو از دست ندم.

نمایز دیدگاهها

تقابل میان مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا و مخالفان این ماده منجر به تعاریف متعددی از اعتیاد شده است که نگاه گروه نخست، صرف کاربردهای مثبت آن است و به عقیده آن‌ها، گروه مقابل نگاه تعمیم‌گرایانه و برچسبی به کنشگران دارند و مصرف‌کنندگان را به‌عنوان بیمار تصور می‌کنند که تحت کنترل این ماده قرار گرفتند و تصوراتی از جمله

نابودی شخص در آینده‌ای نزدیک قلمداد می‌کنند که حتی برپا کردن مصرف چنین موادی را زمینه ارتکاب جرائم متعدد می‌دانند. مصرف‌کنندگان بر این باور هستند که تصور جامعه، علمی نبوده و از کارکردهای مثبت و اینکه در بسیاری از کشورها به صورت آزادانه مصرف می‌شود، اطلاعی ندارند و ماری‌جوآنا را مانند دیگر مواد یکی در نظر می‌گیرند. جامعه مؤلفه‌های فرهنگی را در نظر دارد که نبود یکی از این مؤلفه‌ها در فرد و یا گروهی یا عدم همخوانی با یکی از هنجارهای مسلط در جامعه منجر به نگاه تعمیمی نسبت به کنشگر می‌شود که به دلیل داشتن چنین نقصی، با خلأ داشتن سرمایه فرهنگی روبرو است و ویژگی متمایز منجر به ایجاد موقعیت اجتماعی جدید برای مصرف‌کننده می‌شود.

برای مثال مصاحبه‌شونده نوزدهم این‌طور بیان می‌کند:

مردم با توجه به فرهنگ‌شون برچسب می‌زنن که معتادم و از روی ناآگاهی هستش به نظرم. مردم هنوز سنتی‌اند و فرهنگ ما پیشرفت نکرده و درخصوص ماری‌جوآنا مطالعه نکردن بخصوص تو کشورهایی که آزادش کردن. به نظرم نسل امروز ریسک‌پذیر ترن و متفاوت از نسل گذشته هستن و محافظ کار نیستن و راحت‌تر با خطرها خودشان رو تطبیق میدن.

برای مثال مصاحبه‌شونده هفدهم این‌طور بیان می‌کند:

آدم درگیر اعتیاد (از نوع مورفین) بعد از مدتی دیگه به نگاه‌های اطرافیان واکنش نشون نمیده یعنی دیگه براش مهم نیست، دیگه اجتماع و آدم‌های اجتماعی رو بر نمیتابه، دیگه یه آدم با یه زندگی نرمال و سالم رو درک نمیکنه و این سؤال رو میذاره وسط جهان‌بینی ذهنیش که فعالیت برای چی؟ ازدواج برای کی؟ پیشرفت به چه خاطر؟ اما ماری‌جوآنا مانع از تفکر و یا جلوی زندگی رو نمی‌گیرد و من چنین احساسی نداشتم و حتی از طریق همین ماری‌جوآنا که کاربردهایی داره پیشرفت تو زندگیم به لحاظ درسی و نقش اجتماعی مثل کارم و ارتباطات اجتماعی داشتم.

بینش اجتماعی فردی

کشگران خود را به عنوان معتاد نمی‌بینند بلکه به عقیده آن‌ها تعریفی که از اعتیاد صورت می‌گیرد توسط همان کسانی تعریف می‌شود که خود زمینه افزایش متعدد این تجربه هستند از جمله ساختارها و خانواده که به دلیل نبود اوضاع مناسب اقتصادی، اوقات و فراغت کافی و وجود خلأ عاطفی را علل مصرف می‌دانند و به باور آن‌ها، به جای مقصر دانستن و برچسب زدن مفاهیم مختلف، به علل مصرف توجه کنند و در معنای دیگر، خود را مظلوم در نظر می‌گیرند و در کنش و تعریفی که از اعتیاد وجود دارد، مقصر نمی‌دانند. کشگران به دنبال پایان دادن یک رابطه نقشی و معنادار، نسبت به مسئله اعتیاد هستند. ماری جوانا یک نوع نظام حمایتگری است که در عمل نوعی نمایش در بهبود کنش‌های اجتماعی، از جمله افزایش کیفیت در مسئولیت‌های اجتماعی و تشویق و داشتن تمرکز برای فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کند. حس خوشایندی که ماری جوانا می‌دهد خوشایندتر از تعریفی است که از اعتیاد از سوی جامعه وجود دارد. کنجکاوی و کسب تجربه، از جمله تشدید هیجانات درونی یکی دیگر از باورهایی است که جوانان تمایل به داشتن حس جستجوگرانه هستند که به زندگی خود رنگ تنوع‌طلبی ببخشند و این مانع از تکراری شدن امور روزمره افراد با توجه به شرایط زندگی کشگران می‌شود.

برای مثال مصاحبه‌شونده یازدهم این‌طور بیان می‌کند:

یکی از دلایل انتخاب رفیق بود برام که دنبال هنر و موسیقی بودم و باید با یکسری افراد ارتباط برقرار می‌کردم که به این هدفم برسیم و کسانی که پیدا شدند وقتی می‌بینی یکی خواسته‌هایی داری و این خواسته‌ها بنا بر شرایط حاکمیت محقق نشدن، میری سمت کسانی که تورو به هدفت میرسونن و تشویقت میکنن و همین ماری جوانا بود که تونستم ارتباطم رو باهاشون بیشتر و حفظ کنم و این برام لذت بخش و مهم تر از این هستش که به تعاریفی که جامعه از من داره. بجای این تعاریفی که از ما دارن بهتره بدونن که ریشه مشکلات خودشون.

برای مثال مصاحبه‌شونده بیستم این‌طور بیان می‌کند:

یک جامعه که از هر تفریحی از هر امکاناتی از هر شادی ممنوع هست. آدم نتونه تفریح کنه و مشغول نباشه میره سمت اینجور چیزا. من نمیتونم جایگزینی پیدا کنم چون امکانات و مکان‌های فراغتی کشور ما مثل مابقی کشورها نیست مگه چه تفریحی دارم ما جز اینکه بریم دور هم یک سیگار بکشیم و یک گل بکشیم و این برام خوشایندتر از اینه که به تعریفی که جامعه از ما داره توجه کنم.

گسترش جهان‌بینی

فرد در جهت کسب آرامش و حفظ خود در برابر ناملایمات اجتماعی، به دنبال برقرار کردن محیطی باثبات است و درصدد تحقق منافع و اهدافش است و به نظر هر قدر فرد در درونی کردن تمایلات شخصی خود بیشتر باشد به همان اندازه به خود اجازه می‌دهد تا با تقاضا و خواسته‌های نشأت گرفته از نقش فرد در گروه‌ها روبرو شود. شکست در به دست آوردن نیازهای اساسی، خودشکوفایی و ترقی فرد منجر به جایگزینی کنشی دیگر می‌شود. به عقیده کنشگران، ماری‌جوانا یک ماده محرکی است که منجر به افزایش کیفی فکر کردن و اینکه می‌توان از طریق این ماده، خیلی از راه‌حل‌های مشکلات خود را پیدا کرد و هیچ ماده‌ای که به‌عنوان مخدر شناخته می‌شود این امکانات را به فرد نمی‌دهد. بلکه مانع از آن می‌شود و با توجه به اینکه ماری‌جوانا منجر به توسعه نگرشی و ادراکی نسبت به مسائل می‌شود نمی‌توان آن را مانند مواد مخدرهایی همچون شیشه در نظر گرفت که باعث تخریب ذهن و جسم انسان می‌شود. کسی که اعتیاد به رفتار و ماده‌ای دارد که از آن بازخورد مثبتی را دریافت نکرده باشد. به عقیده کنشگران، شیوه سبک زندگی آن‌ها با آزادی افراد برای انتخاب کردن پاسخ‌های افراد نسبت به تجربه و چگونگی ارتقای خودشکوفایی زندگی فردی از جمله عمیق فکر کردن، راهگشا بودن، توانایی تحلیل بیشتر در ارتباط است و از دید کنشگران زندگی آن‌ها از یک حالت خسته‌کننده به خوشی‌های متنوع همراه با کارکردهای مناسب تبدیل شده است؛ این یکی از دلایلی است که کنشگران، معنایی متفاوت از اعتیاد به وجود می‌آورند. در نتیجه به باور کنشگران، آینده آن‌ها به‌مانند آینده افراد درگیر مواد مخدر نبوده و در هیچ کدام از برنامه زندگی‌شان اخلاقی ایجاد نکرده و پیشرفت‌هایی نیز در زندگی فردی و اجتماعی خود کسب کرده‌اند.

برای مثال مصاحبه‌شونده ششم این‌طور بیان می‌کند:

قطعاً شیشه و هروین جایگزینش نمی‌کنم. هیچ وقت تمایلی بهش ندارم چون آگاهم نسبت به ضررهاش. تا حالا شده بشنوی کسی از ماری جوانا نابود شده باشه خیلی درصدش کمه. وقتی که یک ماده این‌قدر کاربرد مثبت داره تو پیشرفت میکنی باهاش نباید با مواد دیگه یکی بدونیم. به خاطر همین مخالف این هستم که مصرف کنندگانش را معتاد بدونیم.

برای مثال مصاحبه‌شونده هفدهم این‌طور بیان می‌کند:

بعد از هر تجربه‌ی نابی در زندگی، متوجه می‌شوی که بسیار به لحاظ تجربی و ذهنی و نگرشی عقب‌تر بودی. این یک فرایند ناخودآگاهه. ماری جوانا کمک میکنه که متوجه این موضوع شوی که به لحاظ ادراکی، نگرشی و ... در چه سطحی هستی و یک دید کلی‌تر و پایدارتر از شرایطی که در حالت عادی آن را تجربه می‌کنی به تو میده و این سطح تا چه مقدار می‌تواند به حالت فراتر خود برسد. خیلی از رفتارها و نگرش‌ها همون توی زندگی مفید بوده آیا این فایده رو بعنوان اعتیاد در نظر بگیریم؟

فردیت‌محور

از دید کنشگران، این جامعه و ساختارها هستند که هویت انحرافی و قوانین دستوری بدون توجه به علم و واقعیت شکل می‌دهند و به همین دلیل در مقابل این قوانین و باورها، عکس‌العملی شکل می‌گیرد که از دید کنشگران، رفتارشان، واقعیت‌شان را می‌سازد و برپایه آگاهی و اطلاع از واقعیت موجود از مصرف ماری جوانا است که رفتار می‌کنند و با توجه به همین اختلاف اطلاع و آگاهی بین کنشگران و جامعه است که تضاد منافع شکل می‌گیرد و برپایه منافع خود رفتار می‌کنند که نشان‌دهنده تقدم فردگرایی بر ارزش‌های جامعه است. کنشگران، آگاهانه این وظیفه خود می‌دانند که اهداف و نیازهای شخصی خود را جرح و تعدیل کنند و اجازه بروز دهند و با روبرو شدن با نمادها و واژه‌های جامعه، آن‌ها را ارزیابی و سپس کنش متفاوتی از خود انجام می‌دهند. به باور کنشگران، تصمیم‌گیری و تشخیص پیامدهای آن یک تصمیم شخصی است و خود فرد بایستی تشخیص دهد که اعتیاد چه معنایی دارد و چه نوع از رفتار اعتیاد‌آور است. افراد مستقل‌اند تا زندگی خوب خودشان را از نگاه خودشان انتخاب کنند و خودشان قادر به درک و

کشف زندگی خوب هستند. با توجه به شکل و دامنه گسترده قدرت اجرایی دولت و جامعه‌ای با داشتن محدودیت‌های بسیار با ساختاری بسته، می‌توان گفت برای کنشگرانی که احساس طرد شدن از سمت اجتماع و دولت می‌کنند، فضاهایی بسیار محدود برای تحرک دارند؛ از همین رو افراد بیشتر حاضر می‌شوند تا کنش متقابل خود که همان ایجاد معنای ذهنی متفاوت است را تغییر دهند. به نظر می‌رسد تعدادی از کنشگران با انجام یک عمل محدود به قانون‌گریزانه همچون مصرف ماری‌جوآنا، از منابع محدود هیجان نیز استفاده می‌کنند و از عمل لذت می‌بینند.

برای مثال مصاحبه‌شونده هفتم این‌طور بیان می‌کند:

من به نظرم هر چیزی مثل گل کمتر از این باید‌ها و نبایدها دور بشن بهتره چون اونوقت باعث میشه مثلاً یک فرد می‌خواد به یک خرده‌فرهنگی پیونده مجبور نباشه گل بکشه. آدمیزاد تحت تأثیر تمایلات هست و تصمیماتش بر همون اساس شکل می‌گیره حتی تصمیمات مهم زندگیش.

برای مثال مصاحبه‌شونده هشتم این‌طور بیان می‌کند:

درست و غلطش رو خودم تشخیص میدم و انتخاب می‌کنم چون یک فرد آزاد هستم اگر ضرری برسه به من نه دیگران. خودم انتخاب می‌کنم خودم بر عهده می‌گیرم اثراتش رو و خودم تشخیص میدم که چقدر مصرف کنم و حق فردی خودم میدونم که خودم تصمیم بگیرم که چیکار کنم. شخص معتاد نمیتونه استقلال و کنترلی داشته باشه. به خاطر همین معتاد نیستم.

برای مثال مصاحبه‌شونده سیزدهم این‌طور بیان می‌کند:

من حس می‌کنم اصلاً این منع شدن به حس جذائیتی بهش میده کلاً آدم اینطوره که نذارن سمتیه چیزی بری و منعش کنن تو هی بیشتر میری سمتش برات جذائیت بیشتری داره

جامعه‌پذیری دوستان

کنشگران ارزش کنش خود و معنای ذهنی‌شان از نوع مصرف در کنار همتایان خود تقویت می‌کنند. درونی شدن تأییدها و پاداش‌ها در کنار همتایان خود باعث می‌شود که

افراد باورها و رفتارهای خود را از دیدگاه گروه، ارزیابی و تغییر دهد و آشنایی و تعریف نواز اعتیاد در تعامل و تبادل با همتایان خود به دست می‌آورند. کنشگران در خلق تعریف اعتیاد خلاق می‌باشند و تعریفشان از اعتیاد در پاسخ به محرک‌های محیطی و طی یک فراگردی ساخته و پرداخته می‌شود و تعریف مناسب نسبت به تمایلات و تجربه اجتماعی خود در قبال تعاریف اطراف خود ایجاد می‌نمایند. کنشگران هنجارهای ساخته‌شده در گروه خود به شکل آگاهانه و ارادی توسط همه مشارکت‌کنندگان وضع و پذیرفته شده است که خطوط کنش و معنای ذهنی‌شان را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند. افراد حاضر در این کنش، حاضر هستند برای پذیرش در گروه خود، تمایلی به پذیرش اعتیاد را ندارند و فرد وظایفی را بایستی انجام دهد که متناسب ارزش‌های اعضای گروه رفتار کند تا در موقعیت مناسب مورد نظر باشد. در نتیجه معنای ذهنی یکسان از اعتیاد، فرمی از زندگی اجتماعی کنشگران است که هم‌سطح سازی درونی گروهی را نشان می‌دهد و حلقه بینایی است که میان کنشگر و دیگر کنشگران وساطت می‌کند.

برای مثال مصاحبه‌شونده بیستم این‌طور بیان می‌کند:

به نظرم ارزش‌های موجود در جامعه تغییر کرده و نسبت بهش تعصب پیدا کردن و اگه کسی بخواد انتقادی کنه و اونو زیر سؤال ببره ازش مقاومت می‌کنند. اگر بیشتر همگام باشی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیری و به نوعی پاداش بهت میدن.

مصاحبه‌شونده دوازدهم این‌طور بیان می‌کند:

دوستان من پس از مدتی که مصرف را قطع کردم، رابطه هاشون رو با من کم‌رنگ‌تر کردن، و ترجیح می‌دادند اگر جایی را برای تفریح انتخاب می‌کنند، کسانی رو برای اونجا انتخاب کنند که اونهارو از این نظر همراهی کنه و به یک ارزش تبدیل شده. برای اینکه اون جمع رو از دست ندی نیاز داری به لحاظ نگرشی همگام باشی به نوعی یک فشار هنجاری به وجود اومده که باورتو باهاشون یکی کنی.

افزایش کیفیت دوستی

شیوه‌های اوقات فراغت در میان جوانان تغییر یافته است و یکی از این الگوها، مصرف ماری جوانا است که کنشگران از تغییر اوقات و فراغت خود پیش از آشنایی صحبت

می‌کنند که از شیوه سنتی که در خانه و مدرسه به شکل و شیوه دیگر تغییر یافته است که این کنش کیفیت دیگر فعالیت‌ها آن‌ها را دوچندان می‌کند و به‌مثابه یک رفتار فراغتی که از پیامدهای مثبت و منفی آن آگاه هستند، می‌دانند که کسب لذت و خوشی در کنار همتایان خود به دست می‌آورند و به‌منزله یک رفتار انحرافی و در کنار آن یک رفتاری که به مانند مصرف دیگر مواد مخدر تلقی شود نمی‌پذیرند. مصرف‌کننده بر اساس مصلحت و به حداکثر رساندن منافع خود، وابستگی عاطفی در محیط تعاملی خود ایجاد می‌کند و کنش و باور خود را به شکلی تنظیم می‌کند که وفاداری نسبت به همتایان خود ایجاد کند. ماری‌جوآنا روش بزرگی برای سرگرمی است و شبکه‌ای را به وجود می‌آورد که کنشگران می‌توانند افرادی با علائق و باورهای یکسان پیدا کنند و همین امر منجر به داشتن وحدت رفتاری و نگرش در مقابل اکثریت جامعه می‌شود. این تعاملات نمادی از زندگی مصرف‌کنندگان است.

برای مثال مصاحبه‌شونده سوم این‌طور بیان می‌کند:

وقتی یه جمع داره میکشه تو خودتم میری به اون سمت از جمع انرژی می‌گیری اونایی که می‌کشیدن رابطه‌ام قوی بوده و این باعث شده به یک وحدت نگرشی از خودمون و رفتارمون داشته باشیم و بیشتر همو درک می‌کنیم. یکی از دلایل عمدش حضور و بودن تو اون فضا هست که باعث میشه آدم سمتش بره حتی توی ترک کردنش و کنار گذاشتنش چیزی که ادمو اذیت میکنه فقدان اون جمع‌هایی هست که توشون بودی و اون عواطفی که اونجا خرج شده بود.

آگاهی به مرغوبیت ماده

اغلب کنشگران در تعریف از ماری‌جوآنا آن را به‌مثابه یک گیاه در نظر گرفته‌اند که دارای مواد مرغوب و دارویی است. مصرف‌کنندگان به لحاظ محتوایی به‌عنوان ارزش در نظر گرفته‌اند و در درمان برخی از بیماری‌ها به‌عنوان یک نوع از خدمات بهداشتی در جهان استفاده می‌شود. به همین دلیل، نباید به‌عنوان دیگر مواد مخدر در نظر داشت و افراد مصرف‌کننده را معتاد تعریف کرد. در بیان دیگر مزایای آن را بیش از هزینه‌های آن ارزیابی می‌کنند و همین‌طور نسبت به این مسئله مطالعه و آگاهی دارند. به عقیده آن‌ها

یکی کردن ماده‌ای به نام شیشه و یا دیگر مواد مخدر با ماری جوانا اشتباه است و شیشه به لحاظ محتوایی زیان‌های بیشتری دارد در نتیجه مصرف کنندگان شیشه را می‌توان معتاد نامید.

برای مثال مصاحبه‌شونده هشتم این‌طور بیان می‌کند:

ماری جوانا یک گیاه هست فکر نکنم چیز بدی داشته باشه و خواص گیاهی هم داره و ناخودآگاه چیزای خوبی داشته باشه بیشتر از ضررش هست و توی پزشکی هم ازش استفاده میکنن و مطلع هستم بهش. یک ماده‌ای مثل ماری جوانا رو نمیشه با شیشه یکی بدونیم تا بخوایم بگیریم معتاد هستیم یا نه

برای مثال مصاحبه‌شونده هفتم این‌طور بیان می‌کند:

به نظرم گیاه فوق‌العاده‌ای هستش که در درمان افسردگی و در بیماری‌های روانی استفاده میشه. من توی بیمارستان کار می‌کنم از چندتا روان‌شناس و روان‌پزشک پرسیدم گفتن اکثر داروهایی که میدادن به بیماران مشتقات ماری جوانا بود برای درمان افسردگی و اشتهاشون رو بیشتر کنه و همین‌طور برای بیماری‌های دوقطبی و پارکینسون استفاده میشه. آیا برای شیشه و هروئین هم تجویز دارویی میشه؟

چارچوب مصرف

کنشگران بر این باور هستند که فارغ از کارکردهای مثبت آن، در صورتی که مصرف تنها به صورت تفریحی و در جمع صورت گیرد، برچسب اعتیاد را نمی‌توان به آن الحاق کرد. کنشگران اعتقاد دارند، رفتار فردی که معتاد تلقی می‌شود تحت سیطره ماده مصرفی است به نحوی که با عدم مصرف تغییر رفتار دهد، نیاز مبرم به مصرف و عدم اراده در کنترل آن و همچنین مصرف روزانه نیز نمایانگر اعتیاد است. جایگزینی ماری جوانا از جمله راهبردها هست که به سایر تفریحات اضافه می‌شود. میزان استفاده از آن، سبب تغییر جایگاه آن در ذهن کنشگر و اهمیت بیشتر آن می‌شود و از جمله راهبردهایی است که از بطن فضای محدود اوقات فراغت در جامعه و به‌عنوان در دسترس‌ترین تفریح بیرون آمده است. یکی از مهم‌ترین دلایل در نظر گرفتن این تعریف از اعتیاد به تجربه اعتمادی بازمی‌گردد که از مصرف این ماده به‌دست آمده است. ریشه این اعتماد نیز در نخستین تجاربی است که

کنشگر با همتایان خود نهفته است که نقش مهمی در تعریف افراد از اعتیاد و هویت فردی بازی می‌کند. افراد در انتخاب همتایان نقش بسزایی دارند و باور دارند با اصول عقلانی پیوند می‌دهند. آنان اصول کنش‌های خود را عقلانی و معقول در نظر گرفته و به همین علت معنای ذهنی اعتیاد از دید جامعه را با توجه به اصول گروه خود، رد می‌کنند و کنترل افراد در گروه صورت می‌گیرد. از دید این کنشگران گروه‌هایی نیز وجود دارند که شکل مصرفشان غیرمنطقی است و می‌توان آنان را معتاد خواند اما گروه انتخابی خودشان چنین شرایطی ندارد و کنش‌های گروه خودی به صورت عقلانی و کنترل‌شده سازمان‌دهی می‌شود.

برای مثال مصاحبه‌شونده شانزدهم این‌طور بیان می‌کند:

نگرشم به معتاد به این صورته که طرف همه ابعاد زندگیش را سر ماده‌ای از دست داده و عملاً ابعاد زندگی طرف تحت تأثیر ماده قرار گرفته و باهاش اشباع‌شده و چیزی برای ارائه نداره. حتی در مصرف هم کنترلی نداره. ماری‌جوانا یک تفریحه و با توجه به فرهنگ جدیدی که شکل گرفته که خوش گذرونی هستش جوری باب شده که فقط تو مهمونی‌ها و تعطیلات مصرف میشه و یک رفتار به مانند معتادان مواد دیگه نیست.

برای مثال مصاحبه‌شونده ششم این‌طور بیان می‌کند:

مصرف ماری‌جوانا از حد بگذره لوس میشه و میشه گفت اعتیاد. در جمعی که می‌کشم این مسئله رعایت شده است و از حد خارج نشده و چیز عجیبی نیست. در سطح دوستانم نگرش تعادلی شون رو قبول دارم به لحاظ سلامتی در همه ابعاد ولی عده‌ای که از حد خارج هستن رو قبول ندارم و سعی می‌کنم دوری کنم از شون هنجارها و قوانینی در خود گروه داریم و پیش‌کسایی می‌کشم که از شرایط روحی و حالی من متناسب باشه و رعایت بشه. بله گروه‌ها و افرادی رو دیدم که هرروز مصرف می‌کنند و متناسب رفتار نمی‌کنند.

خودمهارگری

دلیل دیگری که افراد مصرف‌کننده خود را معتاد نمی‌دانند به این خاطر است که اعتیاد را به‌مثابه یک بیماری می‌دانند که نیازمند درمان است و بیماری‌ها نیاز به خدمات درمانی و

کمک اجتماعی دارد در حالی که ماری‌جوآنا از دید کنشگران اختلالی ایجاد نمی‌کند تا اینکه نیاز به درمان باشد و هر زمان باشد افراد می‌توانند با خواست و اراده خود ترک کنند و به مانند دیگر مواد مخدر منجر به نابودی فرد نمی‌شود چون میزان مصرف آن قابل کنترل است. کنشگران بر این باور هستند که آینده و نوع مصرف در کنترل‌شان است و هرگاه بخواهند سرنوشت خود را رقم می‌زنند و شرایط موجود تغییرپذیر است. خودمهارگری میزان اعتمادی است که فرد به توانایی‌های خود و هم‌تایان خود نسبت به تغییر می‌دهد. نگاهی که اغلب کنشگران در خصوص نوع مصرف خود دارند به این شکل است که در بسیاری از مواقع تجربه ترک در یک بازه طولانی داشتن و هیچ‌گاه آسیب روحی و جسمی کسب نکردن و یا مصرف کم مصرف‌کنندگان در هفته باعث شده است وابستگی فرد به ماری‌جوآنا را کمتر بدانند و از این نظر خود را از معنای ذهنی که جامعه از اعتیاد دارد فاصله بگیرند. ترک آسان این ماده از دید کنشگران یکی از دلایل نپذیرفتن اعتیاد به این ماده است چون برخلاف دیگر مواد نیاز به درمان ندارد و شخص معتاد همه حال درگیر رفع وابستگی جسمانی و روانی از ماده است. فعالیت‌های روزمره کنشگران باعث می‌شود که هر چیزی به‌عنوان روال عادی تعریف شود و مصرف ماری‌جوآنا همانند دیگر کنش‌های روزمره در زندگی دیگر آدم‌ها، شکل روتین خود را گرفته است. روتین‌ها اعتیاد در نظر گرفته نمی‌شوند مثل صبحانه خوردن، دانشگاه یا به محل کار رفتن و غیره که ضروری برای زندگی شخص ندارد. روتین تلقی شدن ماری‌جوآنا در حیات اجتماعی‌شان یک‌روال معمولی همچون دیگر کنش‌هاست و از نظر آن‌ها اعتیاد به حساب نمی‌آید.

برای مثال مصاحبه‌شونده پنجم این‌طور بیان می‌کند:

وابستگی جسمی و روانی هم بهش ندارم و فقط عادت و هر وقت اراده کنم میتونم ترک کنم و بخوام میتونم و اراده‌ام دست خودمه و بارها شده ترک کردم و عادت هم صرفاً به این جهت هستش که توی جمع می‌کشم. هفته‌ای سه چهار بار می‌کشم اما با توجه به تعریفی که دارم و کنترل هم می‌کنم معتاد نیستم.

برای مثال مصاحبه‌شونده پانزدهم این‌طور بیان می‌کند:

شخص معتاد شخصیه که با مصرف مواد قدرت زندگی و ادامه دادن رو پیدا میکنه و خب این شخص رو ما باید مثل بیماری که بیماری تنفسی دارد و وابسته هست به کپسول اکسیژن ببینیم، شخص معتاد هم همین‌طور اون تا زمانی که حل‌نکنه ماده‌ای که بهش اعتیاد داره رو نمیتونه فعالیت دیگه ای انجام بده اما فردی که ماری‌جوآنا میکشه اثرش شاید یک ساعت باشه و ماده‌ای نیست که فرد به خاطرش بره کمپ ترک اعتیاد و زندگی طرف نابود بشه.

برای مثال مصاحبه‌شونده دهم این‌طور بیان می‌کند:

ماری‌جوآنا مثل خیلی از رفتارهای ما در زندگی عادی هستش همیشه مصرف‌کنندگانش رو معتاد در نظر گرفت. بین فرض کن رفتی به یک مسافرتی یکی دوست داره آهنگ گوش بده خوشحال بشه یکی دوست داره غذا زیاد بخوره و یا هر سرگرمی که احساس خوشایندی بهش میده.

بی‌تفاوتی ارزش‌های اجتماعی

کنشگر بین خواسته‌های خود و پاداش‌های جامعه قرار می‌گیرد و در چنین وضعیتی احساس دوگانگی پیدا می‌کند از یک سمت اگر مصرف‌خودرها کند از خواسته‌ها و معیارهای فردی برای تصمیم‌گیری دور می‌ماند و از یک سمت به مصرف‌آن‌پردازد با برخورد ناسازگارانه جامعه روبرو می‌شود و یک واقعیت ذهنی برای فرد شکل می‌گیرد که تعلق و وابستگی با ارزش‌های عموم جامعه و نیز خانواده خود احساس نمی‌کند و به بی‌تفاوتی و شاید تنفر ارزش‌ها و باورهای جامعه منجر شود. در نتیجه جستجوی مصرف‌یا تداوم مصرف برای انتخاب و لذت، ارزش‌های فردگرایانه را تقویت می‌کند و مصرف‌شکل فردگرایانه بدون توجه به نظم اجتماعی شکل می‌گیرد؛ از همین روی، ضروریات مصرف با توجه به کارکردهای آن منجر به مشروعیت بخشی کنش افراد می‌شود. فشارها ناهمنوایی را بیشتر می‌کند و به‌نوعی عامل بازدارنده محسوب نمی‌شوند و تنها انزوای اجتماعی کنشگران را افزایش می‌دهد. بروز عکس‌العمل نتیجه تعامل بین شخصیت و محیط است که افراد تمایلی به استقلال فردی دارند و به باورها و نهادهای عرفی توجه‌ای ندارند و نگرش سهل‌گیرانه تری نسبت به تخطی از هنجارها و مصرف‌ماری‌جوآنا نسبت

به اطرافیان از جمله خانواده دارند. از سوی دیگر، شکست در روند جامعه‌پذیری نشان از عدم پیوند تفاسیر و باورهای فرد و جامعه است و ضعف این پیوند منجر به کاهش جامعه‌پذیری فرد در جامعه می‌شود و شهرت و منزلت اجتماعی خود را در میان هم‌تایان پیدا می‌کند.

برای مثال مصاحبه‌شونده یازدهم این‌طور بیان می‌کند:

مردم توی جامعه بجای اینکه توی جامعه بیشتر درکت کنن وقتی که متوجه میشن داری مصرف می‌کنی، بیشتر از کنارت رد میشن برچسب میزنن که میگن آخر عاقبت چیه و بدبختی و اینجور چیزا. مثل این میمونه روی یک آتیشی بنزینی بریزی و بدترش کنی و این امر منجر میشه من از روی لج بیشتر بکشم و بیشتر ادامه میده چون کسی منو نمیفهمه و این حس طرد شدن منجر به لج کردن میشه؛ اما دوستان منو درک میکنن و پای صحبت‌ها و مشکلاتم میشینن و این باعث میشه بیشتر کنار دوستان باشم.

برای مثال مصاحبه‌شونده دوم این‌طور بیان می‌کند:

مصرف ماری‌جوانا حقمه و باید تجربه کنم چون خودم انتخاب کردم و جایی دارم خطا میکنم و به‌صورت افراطی انجام میدم دوستان، فامیلا و یا مراکز درمان با کنترل به من یکسری توصیه‌ها رو انجام بدن نه اینکه پنهانی بکشم ولی منو مجبور نکنن که نکشم فقط توصیه کنن و فقط بدی و خوبی شو به اون فرد بگیم. اون شخص با توجه به منطق و تجربه‌اش تصمیم بگیره انسان‌ها قوه انتخاب و اختیار داره. همین باعث تابو بودن و درک نکردن دیگران و نگاه به شدت تند باعث میشه که پنهانی مصرف کنیم.

مشروعیت بخشی کنش

در بین کنشگران این باور وجود دارد که معیار و قوانین مرسوم نسبت به مصرف ماری‌جوانا با سنت همراه است و مانند سایر کشورها با عقلانیت تدوین نشده؛ آنان باور دارند که در سایر کشورها نسبت به ماری‌جوانا نگاهی عقلانی به‌مثابه دارو و نه ماده مخدر، کنترل مناسب و تفسیری غیر از معتاد و مجرم در نظر گرفتند. کنشگران باور دارند که نگرش خود را با جهان هماهنگ کرده‌اند کنشگران قوانین سایر کشورها را عاملی برای تداوم مصرف این ماده می‌دانند و بر این باور هستند که بازاندیشی مصرف ماری‌جوانا معطوف به

فرهنگ‌های جهانی است. افراد با استانداردهای خود هم هویت و هم کنش‌های خود را تعریف کرده و بدان معنا می‌بخشند. آنان همچنین مستعد تغییر می‌باشند و از طریق آگاهی و تداوم تجربه‌های افراد، نوع مصرف خود را تغییر می‌دهند و اعتقادی نیز در مورد توانایی خویش برای ترک ماری‌جوآنا بر اساس تجربیات خود در گذشته دارند که می‌تواند با افزودن باورهای خودمهارگری تقویت شود. این دیدگاه با ویژگی‌های خاص خود می‌تواند بسیاری از مصرف‌کنندگان را طبقه‌بندی کند؛ این آگاهی و اطلاع نسبت به نوع مصرف و وجود کارکردهای مناسب از دید مصرف‌کنندگان، خود نوعی مشروعیت بخشی به کنش‌شان است. به عقیده مصرف‌کنندگان، گروه انتخاب‌شده از سوی خود کنش‌های عقلانی را دارند و افراد در انتخاب همتایان خود نقش بسزایی داشته و بر این باور هستند که پیوندهایشان با گرایش‌های عقلانی سامان پیدا می‌کند. این اعتبارها راهی برای مشروعیت بخشی کنش مصرف‌کنندگان است که شخص نظام معنایی متفاوتی از کنش خود ایجاد می‌کند.

برای مثال مصاحبه‌شونده شماره چهاردهم این‌طور بیان می‌کند:

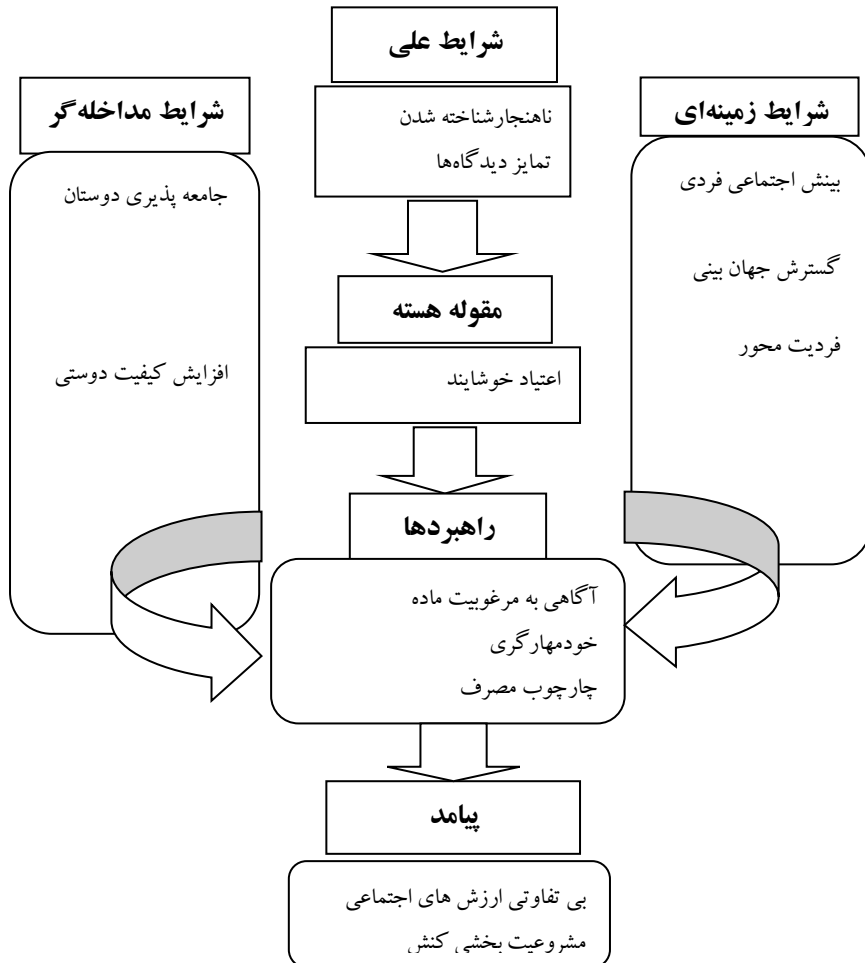
این قضیه که کشورهای دیگه قانون مصرف ماری‌جوآنا آزاده تاثیر گذاشته روی من که تجربه کنم که چرا جوان کشور دیگه میتونه آزادانه انتخاب کنه و مصرف کنه و منم فکر می‌کنم همچین حقی دارم که یک‌بار تجربه کنم. همین امر باعث شده که قابل پذیرش تر بشه.

برای مثال مصاحبه‌شونده نخست این‌طور بیان می‌کند:

وقتی تو یک کاری رو انجام میدی و دیگه جایی میرسه که باعث آزارت میشه و نمیتونی ترکش کنی میشه اعتیاد. مثلاً من زیاد سیگار میشکم ولی وقتی میرم خونه پیش خانواده دو هفته نکشیدم و اذیت هم نشدم به این نمیگن اعتیاد و من و دوستانم با شناخت از ماری‌جوآنا رفتیم سمتش در غیر این صورت هیچ وقت این کار رو نمی‌کردم و اطلاع دارم از همه چیزش و در مصرف هم کنترل‌شده رفتار می‌کنیم.

مدل پارادایمی پژوهش: اعتیاد خوشایند

مدل زیر براساس تبیین‌ها و یافته‌هایی که پیش‌تر ارائه شد و در جدول مفهومی نیز ذکر شده، در شکل ۱ ترسیم شده است. در واقع جریان فرآیندهایی که در بخش داستان ارائه شده است، به صورت تصویری در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱: مدل پارادایمی معنای ذهنی مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و تکنیک‌های مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته و مسئله محور، به بررسی شناخت دقیق شرایط بروز نظام معنایی متفاوت مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا از اعتیاد پرداخته است. مسئله مورد نظر در این پژوهش شناخت عمیق یک پدیده اجتماعی و

به موازات آن، یک واقعیت اجتماعی است که در نظام معنایی هر فرد از اعتیاد شکل می‌گیرد؛ این نظام معنایی می‌تواند تجلیاتی فردی در گروه‌های ثانویه جامعه دانست که به عادی‌سازی مصرف ماری‌جوآنا می‌پردازند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کنشگران تعریف متفاوتی از اعتیاد ارائه می‌دهند. تعریف ارائه شده نشان می‌دهد که کنش‌گران معتاد بودن خود به ماری‌جوآنا را نمی‌پذیرند؛ با این توجیه که این ماده مخدر را کنترل شده یا تفریحی مصرف می‌کنند. در ارائه تعریفی خوشایند از اعتیاد عوامل نهادی، اجتماعی و فردی نقش پررنگی دارند. مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا

به دلیل قائل شدن ویژگی‌های منحصر به فرد برای این ماده مخدر در مقایسه با دیگر مواد مخدر و تفاوت الگوی مصرف آن،

مصرفش را اعتیادآور نمی‌دانند. بنابراین با بازاندیشی در مصرف ماری‌جوآنا و تبدیل کردن آن به بخشی از زندگی و حیات اجتماعی‌شان، کارکرد مثبتی برای مصرف این ماده مخدر قائل می‌شوند.

ایده‌های برگرفته از نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در اعتباربخشی به یافته‌ها و تدوین یک مدل نظری جامع قابل‌اتکا و استناد در این تحقیق موثر بوده است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های آذربورن و فوگل (۲۰۰۸)، بهارلوئی، ناصری و ربانی (۱۴۰۰)، هالیک و ویتو (۲۰۲۱) و صفری و حقی (۱۴۰۰) در تبیین علل گرایش به مصرف مواد مخدر از جمله معاشرت افتراقی، مشکلات ساختاری، آسیب روحی و روانی، فعالیت‌های اوقات فراغت و برای کسب لذت و آرامش همسو است. همچنین در تحقیقاتی چون پارک و همکاران (۲۰۲۰) و خدیری و همکاران (۱۳۹۹) در خصوص فاصله میان باورهای مصرف‌کننده مواد مخدر و جامعه همسو است. براساس مدل پارادایمی، نظام معنایی اعتیاد از سوی کنشگران تحت تاثیر شرایط خاصی بوده است که در سه دسته شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر طبقه‌بندی شده‌اند. شرایط علی شامل نگاه حذفی و نگاه تعمیم‌گرایانه است. شرایط مداخله‌گر نیز شامل جامعه‌پذیری دوستان و افزایش کیفیت دوستی می‌باشد. به علاوه، بینش اجتماعی فردی، گسترش جهان‌بینی و فردیت‌محور در شرایط زمینه‌ای

طبقه‌بندی می‌شود. شرایط مذکور به طور کلی در امتداد با یکدیگر منجر به پدیده‌ای به نام اعتیاد خوشایند می‌شوند که در خصوص کنش خود استراتژی‌های خاصی را اتخاذ نموده‌اند که منجر به پیامدهایی چون، بی‌تفاوتی ارزش‌های اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به کنش خود می‌شود.

زمانی که رفتاری چون مصرف ماری‌جوآنا در شبکه‌ای از مفاهیم و تعاریف قرار گیرد چارچوب نظری را شکل می‌دهد که امکان فهم رابطه‌ای بین جامعه و ساختار با مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا را منعکس می‌کند و همچنین معنا و تجربه اجتماعی فرد مصرف‌کننده از گروه‌های درگیر با مصرف این ماده مخدر را نشان می‌دهد. در نتیجه کنشگران با توجه به تجربه‌های مصرف، مقاصد و اهداف خود دست به تفسیر می‌زنند و نظام معنایی‌شان را از این مسئله روشن می‌کنند. نظام معنایی کنشگران از اعتیاد، طی یک فرایند از طریق کنش متقابل دیالکتیکی بین نظام معنایی جامعه از مصرف این ماده مخدر و نظام معنایی که مصرف‌کنندگان آن را می‌سازند، به وجود می‌آید. همچنین مصرف‌کنندگان، کنش خود را از جهت اینکه عقلانی است می‌پذیرند و مسئولیت کنش خود را قبول می‌کنند. این دو گزاره عقلانی بودن و مسئولیت‌پذیری در برابر کنش، مصرف ماری‌جوآنا را در نظام معنایی آن‌ها به امری مشروع تبدیل می‌کند. در معنای دیگر، با توجه به آنتروپی شکل‌گرفته در جامعه، کنشگران با فراز و نشیب‌های زیادی در زندگی مواجه‌اند که منجر به تولید سود و ضرر در محتواهای زندگی فرد می‌شود که از طریق عمل آگاهانه و عقلانی طبق یک فرایند نظام معنایی افراد، یک کنشی جایگزین کنش دیگر می‌شود و به موازات آن ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی شکل می‌گیرد. کنشگران باور دارند چون نقش ماری‌جوآنا، جایگاه مثبتی در زندگی‌شان داشته است و نتایج مثبتی از آن دیده‌اند؛ نمی‌توانند آن را با دیگر مواد مخدر ویرانگر یکسان بدانند. مهارت‌های کنترل مصرف و استدلال‌گری نسبت به کنش و ایجاد ارتباط بین نظام معنایی خود با استدلال‌های علمی، مقایسه خویش با شهروندان کشورهای دیگر در مصرف ماری‌جوآنا، مصرف ماری‌جوآنا را به‌مثابه محافظی مشروع در برابر آنتروپی و هنجارهای حاکم می‌دانند و اعتیادآوری این ماده مخدر را انکار می‌کنند.

جریان فرآیندها و فعالیت‌هایی که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد پدیده مرکزی اعتیاد خوشایند است. به عبارت دیگر، بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بر ساخت‌دهنده اعتیاد خوشایند بین مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا است. مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا فهم‌شان از اعتیاد به این ماده مخدر در گروه شکل می‌گیرد. این بستر با مکانیزم‌های توجیهی که در آن استفاده می‌شود مثل لذت‌بخش بودن، بهانه‌ای برای دوستی، کنترل داشتن بر زندگی و کسب موفقیت، اعتیاد ماری‌جوانا را به اعتیادی خوشایند تبدیل می‌کند. همچنین مصرف این ماده مخدر راه‌حلی برای تحمل ناکامی‌های اقتصادی و اجتماعی است. مضاف بر این، اعتیاد خوشایند ضعف‌های شخصیتی افراد در زندگی اجتماعی‌شان را پوشش می‌دهد و آن‌ها را برطرف می‌کند. از دید کنشگران، باورها و ارزش‌های حاکم در جامعه نسبت به ماری‌جوانا خلاف علم و عقل و نیز منسوخ شده است. از این روی، کنشگران با قدرت فکری و دانش خودشان به پذیرش کنش و معنای ذهنی‌شان از اعتیاد روی می‌آورند و در کنار آن، از بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در جامعه نسبت به مصرف ماری‌جوانا عبور می‌کنند. این شیوه از این جهت برای کنشگر خوشایند است که به یک استقلال فکری و آگاهی در مقابل جامعه‌ای دست‌یافته است که از دید مصرف‌کنندگان خلاف علم و عقل است. کنش و معنای ذهنی از اعتیاد کنشگران به این دلیل خوشایند است که توانسته‌اند از بند کنشگری‌های عملی و نظری جامعه رها شوند و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به زیست جهان خود را خلق کنند. این میل آگاهانه و تصمیم‌گیری بر سنجیدن هزینه و فایده مصرف ماری‌جوانا برای کنشگران خوشایند است. در نتیجه، اعتیاد خوشایند نه فقط از روش‌های عمل‌گرایانه شناسایی قابلیت‌های ذهنی، بلکه بی‌تفاوتی در برابر آنچه به فرد گزینه‌ها و راهکارهایی را برای چگونه بودن و زیستن ارائه می‌دهد، نشات می‌گیرد.

چنانچه ذکر شد تعریف جدید اعتیاد از مصرف ماری‌جوانا در گروه‌هایی شکل می‌گیرد که کنشگر سرنوشت و تجربیات مثبت مشترک با دیگر اعضای گروه دارد که هویت جدید و پذیرفته‌شده‌ای برای فرد شکل می‌گیرد که پیش از آن در زیست جهان حاکم موفق به تأیید نشده است. بی‌شک نهادهای انتخابی موجود، چیرگی نوع خاصی از

سبک زندگی بر جوانان، مقررات گذاری بیش از حد و قدرت بی‌مهار است که گروه‌های مصرف را جایگزین سرمایه اجتماعی مدنی و مشارکتی و یا جامعه توده‌وار کرده است تا حقوق و آزادی خود را مطالبه کنند. در نتیجه کنشگران احساس می‌کنند که از آزادی فردی برخوردار نیستند و به دنبال راه برون‌رفت از وضعیت جاری هستند که کنشگر آزادی رسیدن به اهداف و لذت‌های خودش را در چنین گروه‌هایی که از ویژگی تکثرگرایانه‌ای برخوردار است، پیدا می‌کند که پیش از آن شاهدش نبوده است و به این خاطر کنش و نظام معنایی با لذت و خوشایندی همراه می‌شود.

همانگونه که مدل پارادایمی نشان می‌دهد نظام معنایی اعتیاد از سوی مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا به‌مثابه یک فعالیت خرده‌فرهنگی و اجتماعی است که در گروه‌های همسالان رخ می‌دهد؛ گروهی که نگرش‌ها و رفتارهای مشترکی دارند و خود را متفاوت از غیرمصرف‌کنندگان در نظر می‌گیرند. مصرف ماری‌جوانا میانجی هویت شخصی فرد با هویت او در گروه است، به این معنا که فرد برای تعامل و نمایش خود در گروه ماری‌جوانا را مصرف می‌کند و از همین طریق به یک تعریف جامع از اعتیاد دست پیدا می‌کند. به زعم مصرف‌کنندگان، گروه آن‌ها به دلیل مصرف آگاهانه و کنترل شده‌ای که دارند، معتاد محسوب نمی‌شوند. از دید کنشگران، این ماده برخلاف دیگر مواد مخدر که برچسب اعتیاد هم به آن‌ها زده می‌شود به مسئولیت‌ها و موقعیت‌های شخصی و اجتماعی ضربه‌ای وارد نکرده است. مضاف بر این مصرف این ماده صرفاً در اوقات فراغت تأثیرگذاری‌اش را در سایر جنبه‌های زندگی آن‌ها به حداقل رسانده است. افزون بر این، از نگاه مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا، برچسب اعتیاد به مصرف‌کنندگان به‌مثابه یک منحرف مقبولیت اجتماعی کنشگر را زیر سؤال می‌برد و به تبدیل شدن او به یک مجرم می‌تواند کمک کند. این ایده که مصرف‌کننده تحت کنترل ماده مخدر قرار می‌گیرد و می‌تواند او را به رفتارهای مجرمانه سوق دهد، کاملاً رد می‌شود. به همین دلیل به ماری‌جوانا نمی‌توان برچسب اعتیاد آور زد.

براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان پیشنهاد داد که تابوشکنی در خصوص این مسئله در سطح جامعه و خانواده شکسته شود و دلیل مصرف و شکل مصرف مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با تحقیقات بیشتر در یک بازه زمانی بلند مدت ابعاد مختلف مسئله بررسی

شود، تا با اتکا به آن‌ها بتوان سیاست‌گذاری منطقی‌تر و علمی‌تر را جایگزین سیاست‌گذاری‌های فیزیکی و همراه با خشونت کرد. هزینه‌هایی که صرف مبارزه با مواد مخدر از جمله مبارزه با قاچاق و هزینه‌های نگهداری بازداشت‌شدگان می‌شود بهتر است در زمینه آگاهی و آموزش و بهبود خدمات سلامت روان برای کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر در زمینه خوددرمانی صورت گیرد.

منابع

- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۸). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۸).
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۶). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰).
- بهارلوئی، مریم؛ ناصری، میلاد و ربانی، علی (۱۴۰۰). فهم نظام معنایی دانشجویان غیربومی از تجربه مصرف سیگار در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان غیربومی دانشگاه اصفهان). *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۳۲)، ۴۶-۲۳.
- جوادی، محمدحسین؛ اونق، نازمحمد و قربانی، علیرضا (۱۴۰۰). تعیین مولفه‌های اجتماعی موثر بر افزایش اعتیاد در جامعه (مورد مطالعه: شهر بجنورد). *مجله اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۱۸۴-۱۶۷.
- خدری، بهزاد؛ زاهدی اصل، محمد؛ پروین، ستار و ذکایی، محمد (۱۳۹۹). فهم فرآیند اعتیاد با ترسیم جایگاه طبقاتی سوءمصرف کنندگان مواد (ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای). *مجله اعتیاد پژوهی*، ۱۴(۵۶)، ۴۰-۱۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۷).
- صفری، حسین و حقی، ناصر (۱۴۰۰). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی اعتیاد به مواد مخدر، مطالعه موردی: معتادین مواد مخدر شهر کلبر. *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۴(۵۰)، ۱۰۴-۸۹.
- فرخی، میثم و شهبازی، امین (۱۳۹۷). مطالعه کیفی تجربه زیسته اعتیاد به ماری‌جوانا در میان دانشجویان شهر تهران. *مجله بررسی‌های مسایل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۲۵۸-۲۳۷.

فیض‌اللهی، علی و باپیری، امید علی (۱۴۰۰). واکاوی دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان (مورد مطالعه نوجوانان شهر ایلام). *مجله اعتیادپژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۱۶۵-۱۴۱.

نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ شاهمرادی، سمیه؛ رحیمی، فاطمه‌السادات و خالدیان، محمد (۱۳۹۹). بررسی عوامل تاثیرگذار در سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراندد تئوری. *مجله اعتیاد پژوهی*، ۱۴(۵۷)، ۳۴-۱۱.

References

- Akers, R. L. (1991). Addiction: The Troublesome concept. *The journal of drug issues*, 21(4), 777-793.
- Becker, H.S. (1966). *Outsiders; studies in the sociology of deviance*. New York: The free Press.
- Hahlbeck, S. M., & Vito, A. G. (2021). Adolescent marijuana dependence: the role of social bonds and social learning theory. *Journal of psychoactive drugs*, 54(1), 43-53.
- Marijuana Consumption Remains High in Iran (2022, April 11). Retrieved from <https://iranopendata.org/pages/62>
- Osborne, G. B., & Fogel, C. (2008). Understanding the motivations for recreational marijuana use among adult Canadians. *Substance use & misuse*, 43(3-4), 539-572.
- Park, S., Yun, G. W., Moser, L., & Cortes, D. (2020). U.S. college students' marijuana information sources, confidence in knowledge, and objective knowledge. *Journal of health communication*, 25(11), 859-869.
- Quintero, G., & Nichter, M. (1996). The Semantics of Addiction: Moving beyond Expert models to lay understandings. *Journal of psychoactive drugs*, 28(3), 219-228.
- Walker, D., Firebaugh, C. M., Craft, G., Mckiernan, P., & Plamisano, C. (2022). Therapy in the age of legalized marijuana: a qualitative study of counselors' experience in responding to patient marijuana use. *American journal of qualitative research*, 6(1), 85-106.
- Willoughby, J. F., Hust, S. J., Li, J., Couto, L., Kang, S., & Domgaard, S. (2020). An exploratory study of adolescents' social media sharing of marijuana-related content. *Cyberpsychology, behavior, and social networking*, 23(9), 642-646.